

فتوحات مسلمانین

اسلام بادونیروی خارق العاده : علم و قدرت در جهان منتشر شد ؛ از یکسو معارف بلند پایه ؛ دستورهای مفید ، آیه های محکم قرآن ، سخنان پر مغز بیغمبر صلی الله علیه و آله و بطور کلی علوم و معنویات اسلام ، افکار دانشمندان را بخود جلب کرد .
و مردمان کنجکار و حقیقت جو را به مطالعه و تأمل در پیرامون این دین وادار نمود ، و از سوی دیگر ؛ قدرت باژ و رشاهات بی سابقه مسلمانان دلهای زعامدارانی را که سد راه حقیقت بودند سخت لرزاند و برق شمشیر آنان از سران کشورهای برق چشم گرفت .

جهانیان خود را در مقابل این دوفیرونی بزرگی یافتند : علم بیکران ، قدرت شگرف ، پیروان دین جدید ، پایکدست مشعل توحید و معارف و علوم اسلام را گرفته و بادست دیگر شمشیر برنده ای که بافتح و پیروزی هم پیمان و بر تیغش نابودی جهل و فساد و تبهکاری نوشته شده بود آئین خود را بجهانیان عرضه داشتند .

پیشرفت معجزه آسا

پیروان اسلام بآنگای این دو نیرو بطور اعجاز آمیزی مرزهای جزیره العرب را پشت سر نهاده و از چهار سو کشورهای مجاور را یکی پس از دیگری تحت سیطره اسلام در آوردند ، و هنوز بیش از یک قرن از آغاز ظهور اسلام نگذشته بود که از اقصای آفریقا تا مرز چین در سایه اسلام قرار گرفت ؛

موضوع بحث

بررسی و تحقیق کامل درباره اسلام بستگی باین دارد که تاریخ را از هر دو نظر

مطالعه کنیم و نظر خود را تنها بمعنویات آن منحصر نسازیم .
 درباره علوم و ادبیات اسلام و پیشرفتهای معنوی مسلمین تاکنون کتابهایی از
 طرف خودی و بیگانه نوشته شده است و تا اندازه ای حق آن ادا گردیده است گویانکه
 بعقیده نویسنده هنوز اسراری در این دین مقدس نهفته است که بشر بآن دست نیافته و
 ممکن است بایشرف علم و ترقی سطح افکار برده از روی آن رازها برداشته شود
 ولی در هر صورت بطور قطع میتوان ادعا کرد که هنوز کسی نتوانسته اسلام را باقیافه و
 ارزش واقعی خود معرفی کند ؛ و گویا نویسندگان از توصیف آن عاجزند .

اما جنگهای مسلمین و پیشرفتهایی که بوسیله آن نصیب اسلام گشته است کمتر
 مورد کنجکاری و دقت قرار گرفته ؛ و آنها که از قدیم و جدید در این باره چیزی نوشته اند صرفاً
 بنقل داستانها اکتفا نموده و چنانکه باید ارزش و نتایج آنرا روشن نساخته اند .

اینک بیاری خدادر طی این سطور قسمتهایی از فتوحات مسلمین بطور دقیق
 بررسی میگردد و موضوع کلیه بحثهایی که تحت این عنوان « فتوحات مسلمین » میشود
 جنگها و پیشرفتهایی است که در سایه شمشیر نصیب مسلمین گشته است .

سبب طرح این محبت

شاید بعضی گمان کنند که آن جنگها و کشمکشهای خونین ، زمانش سپری شده
 و همان بهتر که آن داستانها پند شکستیمان سپردم شود ؛ و آنچه امروز بدر دست مسلمین
 میخورد دانستن حقایق اسلام و تاریخ ادبیات و علوم آن میباشد ، اینست که ناچاریم
 برای رفع این اشتباه آنچه ما را با انتخاب و طرح این قسمت از تاریخ اسلام برانگیخته
 متذکر شویم .

بنظر ما امروز لازمست مسلمانان بخصوص طبقه جوان و تحصیل کرده « فتوحات
 اسلام » را با نظر عمیق تری مورد بررسی قرار دهند و حتماً مقداری از وقت خود را بمطالعه
 آن مصروف نمایند ، این قسمت نه تنها برای ما ایرانیان بلکه برای کلیه ملل اسلامی
 مخصوصاً ملل غیر عرب ضرورت دارد زیرا :

تعریف تاریخ

امروز تعریف تاریخ بمنظورهای سیاسی و استعماری ، الی ضعیف بیش از هر زمانی

رواج دارد ، مردم ساده لوح می‌پندارند همانطور که علوم و اختراعات بشر پیشرفت کرده است ، اعمال غرض و تعصبات را کمتر و حقیقت‌جویی و انصاف و صداقت در نقل تاریخ بیش از گذشته مورد توجه نویسندگان می‌باشد ، در صورتیکه مطالب درست برخلاف این است . امروز مقتضیات و علل تحریف و خیانت در تاریخ به مراتب بیش از سابق است زیرا از طرفی توجه ملل راقیه بحفظ ملیت و افتخارات ملی زیاد شده و این خود طبعاً تعصبات را تشدید و حس خود خواهی را در افراد می‌افزاید ، از طرف دیگر همان ملل راقیه در نتیجه پیشرفت در علوم و بدست آوردن آلات و ابزار خارق العاده ، در خود قدرت بیشتری برای تسخیر ملل ضعیف می‌بینند ، و بهمان نسبت چشم طمع را بآنها بیشتر میدورزند .

بنابر این بهر وسیله که آنرا باین منظور نزدیکتر نماید متوسل میشوند و یکی از بهترین وسائل تحریف تاریخ است .

متأسفانه این سیاست شوم در باره مسلمین بیش از دیگران اعمال شده است . و بجزمت میتوان گفت بررسیهای تاریخی مخصوصاً آنچه مربوط بملل مسلمان است کمتر بمنظور رسیدن بحقیقت انجام میگردد تا منظورهای دیگر ، و چه بسیار کتابهایی بدست مردم داده شده است که تاریخ مقدس ما در آن کتابها برخلاف حق و حقیقت منعکس گردیده است .

توضیح اینکه امر و زقلم در دست دو طبقه است . و نویسندگان بنام که نوشتههای آنها مورد توجه میباشد از این دو طبقه خارج نیستند .

مستشرقین

اول : طبقه مستشرقین که در یکی دو قرن اخیر عنایت مخصوصی بتاریخ اسلام به خرج میدهند ، این گروه مدرکی جز نوشتههای مسلمین که در طول تاریخ اسلام برشته تحریر در آورده‌اند در دست ندارند ، اما تنها بنقل و ترجمه آن اکتفا نمیکند و از خود اظهار نظر و دخل و تصرف زیاد دارند .

گاهی باسم استدلال و اجتهاد در تاریخ ، حدس و تخمین و سوء نظر خود را بکار

میاندازند و بسیاری از امور و حوادث که در نظر مسلمین قطعی و مقدس میباشد یکلی منکر شده و آنرا مجعول قلمداد مینمایند .

وزمانی عقائد سخیفی که از طرف فرقه‌های باطل اظهار شده است بنام يك اصل مسام اسلامی دانمود کرده و در پیرامون آن قلم فرسایی می‌نمایند و با مثلاً اعمال نابجای يك فرقه را جزء دستور العمل اسلام می‌شمارند .

گاهی جدائی و تفرقه طوائف و مذاهب اسلام را از یکدیگر بیش از آنچه هست جلوه می‌دهند ، و از هر کدام مطالبی نسبت بفرق دیگر تحریر آید می‌باشد نقل مینمایند !

بعلاوه مستشرقین عموماً سعی دارند نهضت اسلام و مسلمین را رسماً يك نهضت عربی معرفی نمایند ، همه جافتوحات و جنگ‌ها را بنام عرب می‌خوانند حتی کتابها و علومى که دسترنج همه مسلمین میباشد و همه در آن سهیم میباشند بنام علوم و ادبیات ملت عرب ذکر میکنند ، مثلاً میگویند ابن سینا قبا و سقوف عرب یا محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر عرب و همچنین سعی دارند هر موضوعی را از جنبه مذهبی و اسلامی بیرون برده و جنبه عربیت بآن دهند مخصوصاً در مورد فتوحات اسلامی همه جا عرب را با سایر ملل مواجه دانسته ، و از آن بعمله عرب تعبیر مینمایند .

در صورتیکه از نظر مأمورین واقع‌نظر از اینست ، درست است که پیغمبر اسلام از میان ملت عرب برخاسته و بزبان عربی با او وحی آید و آن از دینی همه عربی است و نیز کشور گشائیها اولین مرتبه در اسلام بتوسط اعراب شروع شد ؛ اما همه میدانیم که اصل دعوت جنبه نژادی نداشته و هرگز منظور اسلام بر تری عرب بر غیر عرب نبوده است بلکه بعکس اسلام در سر لوجه بر نامه خود تفوق نژادی و تعصبات ملی را باطل شمرد است آیا چه دلیلی از این روشن تر بر این مدعی می‌خواهید که صریحاً گفته است : « شما را قبائل و ملل متنوع قرار دادیم که یکدیگر را بشناسید ، و محترمین شما نزد خدا پر هیز کلا ترین شما است » .

آیا تمام آن کتابها و آثار عربی از طرف اعراب نوشته شده است ؟ یا تمام ملل

اسلامی از ایرانی و مصری و رومی و افریقائی و هندی هر يك بنوبه خود اثری از خود بجای گذارده اند، مگر نه این بود که اسلام در قسمت اروپا توسط ترکان عثمانی پیشرفت آیا قسطنطنیه مرکز کشور روم بالاخره بدست اعراب سقوط کرد یا ترکان؟ آیا سلطان محمود غزنوی که تا قلب هندوستان پیش رفت و بعدی در راه اسلام و نشر توحید جهاد کرد که بسط سلطان بت شکن معروف شد از اعراب بود...؟

چه منظور دارند؟

آنچه گفتیم رویه بیشتر مستشرقین بوده و هست. حال بنظر شما آنان از این کلام چه مقصودی دارند؟ بنظر نویسنده نتیجه آن جز استعمار ملل شرق چیزی نیست زیرا بالاخره هر مسلمانی نوشتهای آنانرا بخواند دوچار تردید گشته و تمام مفاخر درخشان اسلام در نظرش بی ارزش میشود مخصوصاً آنان که عقائدشان بر مبنای علمی استوار نیست و در تراژدی راه راست منحرف میشوند. خدا میداند این طبقه یعنی مستشرقین تاکنون تا چه پایه با اسلام مبارزه نموده و چه جمعیهائی را گمراه کرده اند.

تمایلات ملی افراطی

چنانکه گفته شد چنین نفوذ اسلام را رنگ عربیت میدهند؛ آنگاه سعی میکنند که احساسات ملی ضد عربی را در سایر ملل مسلمان تحریک نمایند، و نقطه حساس این خیانت کاری همان داستان جنگهای مسلمین است. زیرا ممکن است این قسمت از تاریخ را طوری نوشت که طبعاً عرب غالب و بقیه مغلوب نمایش داده شوند و باین وسیله حس انتقام در آنها زنده و بیدار گردد، مسلماً افراط در تمایلات ملی خود بهترین وسیله استعمار است، زیرا باین وسیله رشته اتحاد و اخوت اسلامی از هم گسسته و علاقه مسلمین بمبده دین خود سست و تعصبات جاهلیت که در سایه تعالیم اسلام از میان آنان رخت بر بسته است از نو تجدید میشود. و نظر باین که در هر کشوری از کشورهای اسلامی ملیت و نژاد و زبان خاصی مورد توجه می باشد بازنده شدن همه آن ملیتها بطبعاً ملت اسلام بمانتهای متعدد تقسیم خواهد شد، و این خود بزرگترین

عامل تفرقه وجدائی کشورهای اسلامی است گویا محتاج گفتگو نباشد که امروز مسلمانها بر اثر آنچه گفته شد بیش از هر زمانی از هم دورند بطوریکه رفته رفته خود را ملتهای مختلف میدانند ، نه اهل یک ملت ، و این درست نقطه مقابل دستور اسلام است !

نویسندگان ما

دسته دوم نویسندگان افراطی فرنگ رفته یا فرنگی مآب خود مسلمانها است که در حقیقت دست پرورده مستشرقین میباشد و غالباً حس دینی در آنان ضعیف ؛ یا نابود گشته و بجای آن یک نوع حس ملیت افراطی در دلشان بیدار شده است . این طبقه دست کمی از طبقه اول ندارند ، بلکه بالحنی صریحتر ودلی آکنده از انتقام قلم بدست گرفته اند . این دسته مستقیماً خود را با فاتحین اسلام طرف حساب دانسته بانیش قلم بجان آنان می تازند ، و گویا با این عمل حقوق بر باد رفته نیاکان خود را مطالبه مینمایند بدبختی اینجاست که این قبیل نویسندگان مایه علمی کافی و حوصله بررسی کامل تاریخ ندارند و بیشتر مصادد و رهنمای آنان همان نوشته های مستشرقین میباشد ، و بعلمت همان نوشته ها است که تا این حد آنها بعر ب بدبین گشته و بهر چه رنگ مذهبی دارد بانفرت مینگرند .

یک نمونه از تحریف

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مسلمانان کتون باین نکته برخورد کرده اند که کتابهاییکه در سالهای اخیر در ایران نوشته شده است بطور آشکار یا اشاره حمله عرب و حمله مغول را در يك ردیف آورده اند ، و همانطور که حمله مغول جز خرابی و بدبختی نمری نداشت در حقیقت يك بلای عظیمی بود که مرز و بوم این کشور را فرا گرفت ، حمله عرب را نیز باعث تباهی و ویرانی قلمداد کرده اند راستی این نوع داورى خود نمونه کامل بی انصافی است !

نمونه دیگر

و نیز ملاحظه کرده اید مینویسند اعراب کتابخانهای بزرگ را که حسای هزاران کتب علمی و آثار دانشمندان بوده است طعمه حریق کرده اند ، البته این خود بخشی است قابل توجه و مانیز در جای خود از آن گفتگو مینمایم و اینجا در صحت

وسقم آن چیزی نمی گوئیم اما مسلماً این موضوع با این اهمیت که دانمود گردیده نبوده است.

چنانچه بخواهیم بی طرف در این مطلب دوری کنیم لاقول باید اصل قضیه را با تردید تلقی نمائیم نه قطعی و مسلم ، مسلماً این جمله کوتاه با چنین احوال زندگای باندازه کتابها در روح یک جوان بی مطالعه مؤثر است ، و از خود می پرسد مگر دین اسلام با علم مخالف بوده است که کتب عملی را سوخته اند ؟ آری با همین چند کلمه ، دینی را که پیروان خود در اجداً بطلب دانش ترغیب میکنند ، و از گهواره تا گور بدانش حوتمی دعوت مینماید ناسازگار با علم و عرفی مینمایند !!

نوشتهای مصری

صرف نظر از نوشتههای دو گروه نامبرده ، کتابها و مقالات زیادی از نویسندگان نامی مصر بفارسی ترجمه گردیده که از نظر معتقدان مذهبی ماسعیان خالی از اشکال نیست آنان اگر چه خواسته اند مصالح اسلام را در نوشته های خود حفظ نمایند ، اما دیگر بحفظ اساس مذهب مابایند نبوده بلکه چه بسا در جاهای حساس بر خلاف حقیقت قلم فرسایی کرده اند مخصوصاً برخی از آنان سعی دارند بمذهب شیعه رنگ ایرانیت بدهند !

بی اطلاعی مسلمانان

متأسفانه اکثریت کتابخوانهای ما از تالیفات اسلام بی اطلاع میباشند از اینرو کتابهای سابق الذکر در آنان بی اندازه مؤثر است و با کمال تأسف باید اعتراف کنیم که کتاب قابل خواندن که مقرون بصحت و تحقیق باشد کمتر در دسترس مردم میباشد و همین امر زمینه مساعدی برای رواج بازار نوشتههای دیگران فراهم نموده است ، ما میل داریم بقدر امکان در خصوص جنگهای اسلام این نقیصه را جبران نمائیم .